

بررسی ظهور علمی قرآن در آیه اول سوره انعام

علیرضا خنشا*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۵

محمد جواد سامی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۷

چکیده

با پیشرفت علوم، هر روزه گوشه‌ای از اسرار علمی بکار رفته در قرآن آشکار می‌شود. یکی از این موارد که مورد توجه اختر فیزیکدانان قرار گرفته مسأله ماده تاریک و انرژی تاریکی است که تقریباً مورد اتفاق تمام دانشمندان می‌باشد. ماده تاریک (Dark matter) به صورت توده‌ای در اطراف کهکشان وجود دارد که با استفاده از تلسکوپ قابل مشاهده نیست. ویژگی‌های وجودی این ماده تاریک را می‌توان به طور غیر مستقیم از طریق تأثیرات گرانشی بر روی ماده مرئی، تابش و در مقیاس بزرگ، اثبات نمود. قرآن در آیه اول سوره انعام این حقیقت علمی را با جمله ﴿وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ بیان می‌کند. مفسرانی چون علامه طباطبائی (ره)، آیت الله جوادی آملی و راجب اصفهانی در تفسیرشان جعل در این آیه را به معنای خلقت و آفرینش آورده‌اند، معلوم می‌شود که ظلمات و نور مثل تمام موجودات دیگر، چون قرآن موجود و مخلوق اند و از خود صاحب اثر می‌باشند. با بیان این مطالب مقاله به دنبال این سخن است که اشاره به وجود ماده تاریک در قرآن می‌تواند یکی از ظهورات علمی این کتاب الهی باشد.

کلیدواژگان: کیهان، ماده تاریک، قرآن، جعل، خلق.

* ali.khonsha@alumni.ut.ac.ir

** msami@shirazu.ac.ir

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.

** استادیار دانشگاه هنر شیراز.

نویسنده مسئول: علیرضا خنشا

مقدمه

تفاسیر گوناگون قرآن شامل علمی، اجتهادی، روایی، نقلی و عرفانی برداشت از یک کتاب، جامع می‌باشد و هر کدام از آیات می‌تواند از تفاسیر گوناگون بهره مند شود، که با گذشت ایام معانی آیات بهتر و روشن‌تر مشخص می‌گردد. /امام صادق(ع) درباره طراوت و تازگی آیات فرمودند: «خداوند متعال آیات را مخصوص به زمانی خاص قرار نداده که برای اوقاتی دیگر مفید نباشد و ویژه گروهی خاص از مردم نگردانیده؛ از این رو تا جهان برقرار است نزد هر گروه، جدید است» (صدوق، ۱۴۰۴ق: ۹۳).

این سؤال مطرح می‌شود که معارف و علوم قرآن، همواره از یک سطح و لایه برخوردار است؟

تأمل در احادیث نشان می‌دهد که قرآن کریم دارای مراتب، سطوح و ساحت‌های متعدد می‌باشد. این امر به گونه‌های مختلف در احادیث مطرح شده است. /امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «وَإِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ، وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ، لَا تَفْنَى عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ، وَلَا تُكْشِفُ الظُّلْمَاتُ إِلَّا بِهٍ»: «ظاهر قرآن زیبا و باطن آن ژرف است، عجائب آن تمام نمی‌شود و غرائب آن به آخر نمی‌رسد و پرده از ظلمت‌ها نمی‌توان برداشت مگر به وسیله آن» (نهج البلاغه: خطبه ۱۸).

طرح مسأله

قرآن کریم در آیه اول سوره انعام، اشاره به خلقت و آفرینش نور و ظلمت می‌نماید:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

«سپاس خدایی را که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و نور را ایجاد

نمود»

محور پژوهش در این مقاله، عبارت ﴿جعل الظلمات والنور﴾ می‌باشد.

با تأمل در آیه سؤال‌هایی مطرح می‌گردد:

- چرا خداوند بعد از خلقت آسمان‌ها و زمین، اشاره به جعل نور و ظلمت نموده است؟

- "خلق" ابتدایی‌تر است یا "جعل"؟

- "جعل" به چه معنا و مفهومی می‌باشد؟
 - چرا در جعل، ظلمات جمع و نور مفرد آورده شده است؟
 - ماده تاریک چیست و چه خصوصیتی دارد؟
- در این گفتار بر آن‌ایم که ارتباط بین "ظلمات" در آیه را با فرضیه علمی وجود ماده تاریک در جهان، تبیین نماییم تا بتوان اعلام وجود این ماده را در عالم به عنوان یکی از مصادیق علمی و ظهورات قرآنی، به حساب آورد.

پیشینه بحث

هرچه زمان پیش می‌رود، ابعاد عمیق‌تری از قرآن آشکار می‌شود و چهره نورانی آن برای عوام و خواص تجلی می‌کند. با افزوده شدن هر تفسیر به جرگه تفسیرهای قرآنی، افق تازه فراروی محققان گشوده می‌شود.

سابقه تفسیر علمی قرآن با نگاه اعجاز قرآنی در ابعاد مختلف مثل بلاغت و فصاحت عمری به درازی خلق قرآن دارد. پیشینه تفسیر علمی به قرن دوم، پس از آشنایی مسلمانان با علوم یونان و ایران بازمی‌گردد. البته در قرن چهارم، انطباق قرآن با علوم تجربی در آثار ابو علی سینا و در قرن ششم در آثار غزالی (کتاب «جواهر القرآن») رخ نموده است (مهدوی راد، ۱۳۹۴: ۷۱). از میان تفاسیر قدیمی، «تفسیر کبیر» فخر رازی (متوفی ۶۰۶) را نمونه عملی این روش دانسته‌اند. زرکشی (متوفی ۷۹۲) و سیوطی (متوفی ۹۱۱)، نیز آرائی در تأیید تفسیر علمی ابراز داشته‌اند.

این نوع تفسیر در دو قرن اخیر، در پی رشد چشمگیر علوم تجربی، رواج و طرفداران بیش‌تری پیدا کرده است. از چهره‌های مشهور اهل سنت در تفسیر علمی، می‌توان به طنطاوی در «جواهر الحسان»، عبدالله شحاته در «تفسیر الآیات الکوئیه»، احمد حنفی در «التفسیر العلمی للآیات الکوئیه» نام برد؛ و از علمای شیعه ملا فتحعلی کاشانی، علامه طباطبایی، و جوادی آملی ضمن مباحث تفسیری به بحث اعجاز علمی قرآن نیز پرداخته‌اند.

عبدالدام‌الکحیل در مقاله علمی خود به نام اشارات علمی قرآن، به ده پدیده نجومی اشاره می‌کند که یکی از آن‌ها ماده تاریک است. مهدی دانشیار رییس مرکز نجوم دانشگاه علوم حدیث شهر ری در مقاله‌ای به نام «ماده و انرژی تاریک از دیدگاه

کوانتمی» به معرفی آن می‌پردازد. همچنین سید محمد تقوی/هرمی در نوشتار خود به نام «علوم طبیعی در قرآن» درباره ماده و انرژی تاریک مطالبی بیان می‌نماید. درباره ماده و انرژی تاریک نیز می‌توان به آثار زیر که به صورت کتاب یا مقاله هستند اشاره نمود:

«اسرار کهکشان‌ها و ستارگان» تألیف ال. ای گوروویچ، ا.دی.چرنین، «ساختار ستارگان و کهکشان‌ها» از پاول هاچ، «کیهان در پوست گردو» از استیون هاوکینگ، «درآمدی بر اختر فیزیک» و «درآمدی بر کیهان شناسی نوین» هر دو از نعمت الله ریاضی، و «مسأله ماده تاریک کیهان» از سید محمد مهدی فیروزآبادی.

امیدواریم این پژوهش، شروعی برای تحقیقات بیشتر در این زمینه باشد و با دقت نظر، کنکاش و گفت‌وگوهای علمی بیشتر، زمینه گسترش مبحث اعجاز علمی قرآن در مورد کیهان شناسی و علوم طبیعی فراهم آید.

مفهوم شناسی

۱. تفسیر علمی

در این روش تفسیری، مفسر می‌کوشد بین آیات قرآن و یافته‌های علم تجربی ارتباطی بیابد و به شرح آن بپردازد.

توضیح مطلب اینکه، همواره ارتباط بین اکتشافات و قوانین علمی با آموزه‌های وحیانی از مسائل مهم و مورد توجه دانشمندان علوم تجربی و دین پژوهان بوده است. تلاش دانشمندان مسلمان و مفسران قرآن کریم در جهت ارتباط آیات قرآنی با پدیده‌های جدید علمی، شیوه‌های نو در تفسیر قرآن را بنیاد نهاده است، که به تفسیر علمی قرآن موسوم گشته است.

۲. اعجاز علمی

در دامنه تفسیر علمی، بعدی دیگر از اعجاز قرآن مطرح است که به نام اعجاز علمی قرآن خوانده می‌شود. منظور از اعجاز علمی، رازگویی قرآن و اشاره آن به برخی حقایق علمی است که تا قبل از نزول قرآن بدان اشاره نشده بود، اما بعدها پس از پیشرفت علوم

توسط دانشمندان علوم تجربی کشف شده است. نمونه‌های زیر از اعجاز علمی قرآن به شمار می‌روند:

- اشاره قرآن به نقش بادها در گرده افشانی گل‌ها، لقاح ابرها، حرکت کره زمین و معلق بودن در فضا

- مراحل تشکیل جنین در قرآن و انگشت نگاری، وجود مدارهای خورشید و ماه - موارد متعدد اعجاز علمی که در قرآن مجید یافت می‌شود.

دیدگاه مفسران

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ اشاره به نظامی است که در عالم کبیر حکم فرماست و تمامی اشیای عالم با همه کثرت و تفاوت‌اش بر طبق آن اداره می‌شود، زیرا عالم مشهود ما، همین زمینی است که آسمان‌های پهناور از هر طرف آن را احاطه نموده و سپس با نور و ظلمتی که چرخ عالم محسوس، در تحول و تکامل‌اش بر آن‌ها دور می‌زند، در آن تصرف می‌شود و پیوسته موجوداتی را از موجودات دیگری تکوین و چیزهایی را بر چیزهای دیگری تحویل و پنهان‌هایی را ظاهر و ظاهرهایی را پنهان نموده، تازه‌هایی را تکوین و کهنه‌هایی را تباه و فاسد می‌کند و از برخورد همین تحولات گوناگون حرکت کلی جهان که موجودات را به سوی مقصد نهایی خود می‌راند منتظم می‌شود». علامه در ارتباط با نظام آفرینش جهان می‌فرماید: «کلمه "جعل" در جمله «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» به معنی خلقت است منتها از آنجایی که کلمه خلقت در اصل مأخوذ از «خَلَقَ الثَّوْبَ» است و خلاصه در معنی آن ترکیب یافتن از اشیاء گوناگون مأخوذ است و نور و ظلمت از ترکیب چیزی یا چیز دیگری موجود نشده است، از این جهت در خصوص نور و ظلمت به جای "خلقت" تعبیر به "جعل" فرموده و شاید از همین جهت بوده که خلقت را به ایجاد آسمان‌ها و زمین که در آن ترکیب راه دارد اختصاص داده و خدا دانایتر است» (طباطبایی، ۱۳۳۷: ۶ و ۷).

به طور خلاصه مفسرین درباره فراز مورد بحث نظرات زیر را ابراز داشته‌اند:

۱- فرق میان "جَعَلَ" و "خَلَقَ" آن است که در خلق و آفرینش معنای اندازه‌گیری وجود دارد ولی در جَعَلَ معنای تغییر است مثل اینکه از چیزی، چیز دیگری به وجود

آورند یا چیزی را چیز دیگری گردانند یا آن را از جایش به جای دیگری منتقل سازند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۶۵).

۲- اما در اینکه چرا درباره آفرینش زمین و آسمان، کلمه "خلق" و در مورد نور و ظلمت کلمه "جعل" به کار رفته؟ از سخنان گوناگون آنچه به ذهن نزدیک‌تر است واژه خلقت درباره اصل وجود چیزی است و کلمه جعل درباره خواص و آثار و کیفیاتی است که به دنبال آن‌ها به وجود می‌آید و از آنجا که نور و ظلمت جنبه تبعی دارد از آن تعبیر به جعل شده است، سپس می‌فرماید: آیا ظلمت از مخلوقات است؟ از آیه بالا استفاده می‌شود همانطور که "نور" مخلوق خداوند است، "ظلمت" هم آفریده اوست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۴۶).

۳- خلق گاهی بر مطلق ایجاد اطلاق می‌شود اعم از اینکه مسبوق به مدت و ماده باشد که آن خلق به معنی اخص است مانند موالید، یا مسبوق به ماده باشد و آن اختراع است مانند خلق افلاک و عناصری که در جوف آن‌ها است یا اینکه مسبوق به هیچ یک از آن‌ها نباشد ولی وابستگی به ماده داشته باشد و آن انشاء است مانند نفوس، و یا وابستگی و تعلق به ماده هم نداشته باشد و آن ابداع است مانند عقول. و جَعَلَ: که متعدی به یک مفعول باشد به معنی خلق است ولی اغلب در چیزی که متعلق به محل یا متعلق به چیز دیگری باشد چه عرض چه جوهر، استعمال می‌شود (گنابادی، ۱۳۷۲: ۱۲۱).

۴- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

این جَعَلَ، جَعَلَ بسیط است نه جَعَلَ تألیفی، جَعَلَ است که به اصطلاح یک مفعول می‌گیرد نه دو مفعول آن جَعَلَ تألیفی دو مفعول می‌گیرد.

این جَعَلَ، بسیط که معنی آفرینش و خلقت است یک مفعول می‌گیرد. «وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» در حقیقت اینجا هم «خَلَقَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ» است (جوادی آملی، سایت بنیاد علوم و حیانی اسراء تفسیر سوره انعام، جلسه سوم). برای بررسی بهتر و دقیق‌تر اکنون به واژه‌شناسی کلمه "جَعَلَ" می‌پردازیم. راعب درباره جَعَلَ می‌گوید: «جعل آن لفظی است که شامل تمام افعال و از فعل و صنع اعم است و بر پنج وجه به کار می‌رود: اول: به معنی شروع مثل: جَعَلَ زید يقول (شروع کرد زید بگوید)

دوم: در ایجاد شیء و آن وقت یک مفعول دارد مثل: ﴿وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾: و ظلمات و نور را ایجاد کرد (بجری مجری اوجد، مفعول واحد).
سوم: در ایجاد شیء از شیء دیگر مثل ﴿وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا﴾
چهارم: تغییر شیء از حالتی به حالت دیگر مثل: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾ (فی تفسیر الشیء علی حاله دون حاله)
پنجم: حکم بر چیزی با چیزی مثل: ﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ﴾ (راغب، ۱۴۱۲ق: ۱۹۷-۱۹۶).

مشاهده می‌کنیم به گفته راعب جَعَلَ در پنج معنا در قرآن آمده است که در آیه اول سوره انعام به معنای دوم آن یعنی ایجاد شیء می‌باشد.
در فرهنگ فارسی هم جعل به معنای آفرینش آمده است (معین، ۱۳۷۹: ۱۲۳۱).

آشنایی با کیهان و ماده تاریک

اگر در یک شب صاف بدون مهتاب به آسمان نگاه کنیم، با چشم غیر مسلح، تا حداکثر شش هزار ستاره و تعدادی سیاره و به زحمت ابری فوق العاده رقیق که همان کهکشان آندرومدا (یعنی نزدیک‌ترین کهکشان به کهکشان راه شیری ماست) دیده می‌شود. سوآلی که ممکن است مطرح شود این است که: آیا کیهان ما تنها شامل همین‌هایی است که با چشم می‌بینیم؟

در کهکشان راه شیری قریب صد میلیارد ستاره مانند خورشید وجود دارد که هر یک از آن‌ها می‌توانند سیاراتی مانند سیارات منظومه شمسی ما داشته باشند که در اطراف آن‌ها می‌گردند. در کیهان در حدود صد میلیارد کهکشان مانند کهکشان راه شیری وجود دارد و این عظمت خدای خالق بی‌همتا را به بهترین شکل ممکن نشان می‌دهد.
در کیهان‌شناسی به دلیل بزرگ بودن فواصل از مقیاس سال نوری استفاده می‌شود. یک سال نوری مسافتی است که نور در مدت یک سال طی می‌کند. برای درک بهتر مقیاس سال نوری کافی است دقت کنیم که فاصله خورشید از زمین ما که ۱۵۰ میلیون کیلومتر است تنها ۸ دقیقه نوری است یعنی نور خورشید هشت دقیقه در راه است تا به زمین ما برسد.

گسترده‌گی کل کهکشان راه شیری حدود ۴۵۰ هزار سال نوری است. نوری که امروز از ستاره قطبی می‌بینیم حدود ۷۰۰ سال در راه بوده تا به ما برسد، و بنابراین در قرن چهاردهم میلادی از آن گسیل شده است. بنابراین وقتی به ستارگان یا کهکشان‌های دوردست نگاه می‌کنیم در حقیقت گذشته آن‌ها را می‌بینیم (شیخی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۱).

در حالی که در کهکشان ما در حدود ۱۰۰ میلیارد ستاره وجود دارد و در کل کیهان حدود صد میلیارد کهکشان بزرگ و کوچک وجود دارد، اما این تعداد بسیار زیاد کهکشان و ستارگان، تنها حدود ۴ درصد کل محتوای کیهان را تشکیل می‌دهد. از ۹۶ درصد باقی‌مانده، حدود ۲۶ درصد سهم ماده ناشناخته‌ای است که کیهان‌شناسان به آن نام "ماده تاریک" داده‌اند و ۷۰ درصد کیهان را انرژی تاریک تشکیل داده است.

مقدار قابل توجهی ماده در بررسی خوشه‌های کهکشانی وجود دارد که ما نمی‌توانیم به آسانی آن‌ها را ببینیم. این مواد غیر مرئی را ماده تاریک گویند (خوشه‌های کهکشانی از تجمع چندصد تا چند هزار کهکشان در فضا به وجود آمده‌اند).

با پیدا کردن سرعت چرخش یک کهکشان می‌توانیم جرم موجود در کهکشان را محاسبه کنیم. در سال ۱۹۳۳ زویکی (*Zwicky*) نخستین کسی بود که سرعت شعاعی هشت کهکشان در خوشه کما را اندازه گرفت و سرعتی که به دست آورد چیزی بین ۱۰ تا ۱۰۰ برابر مقداری بود که انتظار داشت. او نتیجه گرفت که جرم کلی این خوشه باید بیش‌تر از مقدار جرم رؤیت شده باشد، این اولین دلیل بر وجود ماده تاریک بود.

در دهه ۱۹۷۰ دانشمندان منحنی‌های تجربی سرعت را در کهکشان‌های مارپیچی بررسی نمودند. آن‌ها مشاهده کردند همانطور که در کناره‌های کهکشان میزان نور بر سرعت کم می‌شود، انتظار می‌رود سرعت چرخشی نیز پائین بیاید.

ولی در مورد ستارگان لبه کهکشان در عمل این اتفاق نمی‌افتد و سرعت در همان میزان که در لبه کهکشان محاسبه شده بود ثابت می‌ماند و این مطلب آشکارا نشان می‌دهد که در کناره‌های کهکشان جرمی وجود دارد که ما نمی‌بینیم.

این آزمایش در مورد چندین کهکشان مارپیچی از جمله کهکشان راه شیری خودمان انجام شده و هر بار به همین نتیجه رسیده است، یعنی سرعت‌های مداری در بخش‌های خارجی کهکشان کاهش پیدا نمی‌کنند.

به عبارتی سرعت ستارگانی که در بیرون از کهکشان در حال حرکت هستند، برابر با سرعت ستارگانی است که در لبه کهکشان (نه خیلی نزدیک به مرز) واقع شده‌اند، این محکم‌ترین و بهترین اثبات برای وجود ماده تاریک است.

وجود ماده تاریک از روی اثر گذاشتن آن اثبات می‌شود ولی چون این ماده با امواج الکترومغناطیسی بر هم کنش نمی‌کند، به آن صفت تاریک داده‌اند.

اما ماده روشنی که کهکشان‌ها و ستارگان و سایر ساختارها را ساخته است و ماده تاریک که بحث آن گذشت، تنها مواد تشکیل‌دهنده کیهان ما نیستند. در واقع در حدود ۷۰ درصد محتوای کیهان ما را موجوداتی ناشناخته و غیر معمول تشکیل داده که به آن انرژی تاریک گفته می‌شود (Yun Wang Dark Energy Wily-Vch 2010).

جمع‌بندی مطالب ارائه شده، ما را به تعریف ماده تاریک می‌رساند: ماده‌ای موجود در کیهان است که چون از خود نور (امواج الکترومغناطیسی) گسیل یا بازتاب نمی‌کند، نمی‌توان آن را مستقیماً دید اما از اثرات گرانشی موجود بر روی اجسام مرئی، مثل ستاره‌ها و کهکشان‌ها می‌توان به وجود آن پی برد.

دلایل اثبات اعجاز و ظهور علمی در آیه

یکی از معجزات قرآن، خبر از رویدادهای علمی است که پس از قرن‌ها بعد از نزول قرآن اثبات می‌شود که شاخه‌ای از تفسیر به نام تفسیر علمی را به خود اختصاص داده است.

به نظر می‌رسد آیه اول سوره انعام بیان‌کننده یک معجزه علمی از واقعیتی خبر می‌دهد که ظلمات بکار رفته در آیه نشان‌گر همان ماده تاریک یا انرژی تاریک علم فیزیک است که در قسمت دوم مقاله به آن پرداختیم. اما هنوز به دو سؤال پاسخ داده نشده: ظلمت در این آیه یعنی چه؟ چرا ظلمت نسبت به نور جمع آورده شده است؟

از آنجا که علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان»، آیت الله جوادی آملی در تفسیر سوره انعام و نیز رانغب در «مفردات»، جَعَلَ در این آیه را به معنای آفرینش یا همان خلقت می‌دانند، بایسته‌تر آن است که کلمات ظلمات و نور اشاره شده در این آیه وجود خارجی داشته باشد. نور که قابل دیدن است. منظور از ظلمات اشاره به کدامین مسائل

دارد؟ ظلمات می‌تواند اشاره به ماده تاریک باشد. یعنی این آیه می‌تواند بر نظریه علمی اثبات شده وجود ماده تاریکی در جهان تطبیق داده شود.

گفتیم که ماده تاریک، ماده‌ای موجود در کیهان است که چون از خود نور(امواج الکترومغناطیسی) گسیل یا بازتاب نمی‌کند، نمی‌توان آن را مستقیماً دید. اما از روی اثرات گرانشی موجود بر روی اجسام مرئی، مثل ستاره‌ها و کهکشان‌ها می‌توان به وجود آن پی برد. پس معلوم می‌شود که ظلمات و نور مثل تمام موجودات دیگر، موجود و خلق شده‌اند و دارای آثاری از خود می‌باشند.

بنابراین می‌توان یکی از معجزات علمی قرآن را اشاره به وجود ماده تاریکی در این آیه دانست. شایان ذکر است که بگوییم این آیه فقط تفسیرش این نیست بلکه در پی آن هستیم که بگوییم یکی از مصادیق این آیه وجود ماده تاریک در جهان می‌باشد. نکته دیگر قابل بحث در این آیه مسأله جمع بودن ظلمات نسبت به نور می‌باشد.

جمع بودن ظلمات نسبت به نور هم می‌تواند نشانه این واقعیت علمی باشد که گفتیم حدود ۹۶٪ جهان هستی را ماده و انرژی تاریک تشکیل داده است و حدود ۴ درصد ماده مرئی و آنچه قابل رؤیت است یعنی اکثریت کیهان و جهان هستی را انرژی و ماده تاریکی پوشانده است. لذا می‌توان بیان نمود که جمع بودن ظلمات نسبت به نور در این آیه نشان‌دهنده این واقعیت است که ۹۶٪(اکثریت جهان هستی) را ظلمت= ماده تاریک پوشانده است. این مفهوم که می‌توان ظلمات بکار رفته در آیه اول سوره انعام را همان ماده تاریکی علم فیزیک دانست و به عنوان یک مخلوق و آفریده خداوند دانست، در دعاها هم به آن اشاره شده است. فرازهایی از دعاهایی که اشاره به وجود ظلمات به عنوان یک مخلوق و آفریده شده خداوند دارد اشاره می‌نمایم:

در دعای جوشن کبیر فراز ۲۵: «یا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ يَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ»

همان: فراز ۲۷: «یا رَبَّ الْجِلِّ وَالْحَرَامِ یا رَبَّ النُّورِ وَالظُّلَامِ یا رَبَّ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ»
در اوایل دعای سمات: «وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ [...] وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَ وَمَسَابِحَ وَقَدَرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ»

در دعای مشلول: «یا شَافِيَ السَّقَمِ یا خَالِقَ النُّورِ وَالظُّلْمِ یا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ»

دعای عشرات: «سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»: تسبیح می‌گوییم آفریننده آنچه دیدنی و آنچه نادیدنی است و اشاره کردیم که ماده تاریک قابل دیدن نمی‌باشد.

نتیجه بحث

با توجه به مطلق بودن آیات قران و اینکه یک آیه می‌تواند مصادیق و ظهورات فراوانی داشته باشد و با توجه به ظرفیت بالای آیات قرآن از حیث قابلیت اشتغال بر بیش از یک معنا در آن واحد، و با توجه به پاره‌ای کشفیات مسلم علمی، از آنجا که ظلمت به عنوان آفریده شده خداوند دارای اثراتی است می‌تواند با ماده تاریک علم اختر فیزیک تشابه داده شود تا به عنوان یکی از ظهورات و مصادیق علمی آیه اول سوره انعام به حساب آید. جمع بودن ظلمات نسبت به نور هم می‌تواند نشانه این واقعیت علمی باشد که گفتیم حدود ۹۶٪ جهان هستی را ماده و انرژی تاریک تشکیل داده است، و حدود ۴ درصد ماده مرئی و آنچه قابل رؤیت است یعنی اکثریت کیهان و جهان هستی را انرژی و ماده تاریکی پوشانده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۴۰۴ق، **عیون أخبار الرضا**، تهران: انتشارات صدوق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق: دار القلم.
- شیخی، احمد. ۱۳۹۱ش، **آشنایی با بخش تاریخ کیهان**، تبریز: انتشارات اختر فیزیک.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۳۷ش، **تفسیر المیزان**، قم: انتشارات دار العلم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصرخسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷ش، **تفسیر جوامع الجامع**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فیروزآبادی، سیدمحمد مهدی. ۱۳۹۳ش، **مسأله ماده تاریخ کیهان**، بی جا: بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۲ش، **اصول کافی**، تهران: انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- گنابادی، سلطان محمد. ۱۳۷۲ش، **بیان السعادة فی مقامات العبادة**، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۳۶۳ش، **بحار الأنوار**، ترجمه محمدحسن بن محمد ولی، ارومیه: دار الکتب الإسلامیه.
- معین، محمد. ۱۳۷۹ش، **فرهنگ فارسی**، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- مهدوی راد، محمد علی. ۱۳۸۴ش، **سیر نگارش های علوم قرآنی**، تهران: هستی نما.

کتاب انگلیسی

- L. Amendola, S. Tsujikawa, *Dark Energy: Theory and Observation*, Cambridge University Press. 2010.
- Yun Wang' *Dark Energy*' WILEY-VCH2010
- E.J.Copeland' M.Sami' and S.Tsujikawa' *Dynamics if dark energy*' *Int.J. Mod. Phys.D15*'1753'(2006)

Bibliography

Holy Quran.

Nahj o Albalagheh Emam Ali.

Tabatabaei, Mohammad Hosein. *Tafsir Al-mizan* (1958) Qum. Darol Elm Press.

Mahdavi Rad, Mohammad Ali. (2005) *Seir E Negareshhaye Olom E Quran*. Tehran, Hasti nema.

Alameh majles, Baharol anvar, translated by: Mohammad Hasan ben Mohammad Vali, urumia, Darolmaktab eslamie.

- Moein, Mohammad. (2000). Persian culture, Tehran, Amir Kabir Press. 15th Edth.
- Gonabadi, Soltan Mohammad. (1993). Bayano Saadat Fi Maghamat E Alebada. Payam E Nour University Press. Tehran.
- Tabarsi, Fazl Ebn E Hasan. (1998). Tafsir Javameh Aljameh, Tehran University Press.
- Tabarsi, Fazl Ebn E Hasan. (1993). Tafsir Majma O Albayan. Naser Khosro Press, Tehran.
- Makarem Shirazi, Naser. (1995). Tafsir e Nemoneh, Tehran, Darol Kotob Aleslamieh Press.
- Sheykhi, Ahmad. (2012). The dark Side of the Universe. Akhtar Fizik Press, Tabriz.
- Firooz Abadi, Mohammad Hossein. (2014). The Problem of the dark matter of the Universe.
- Sheykj Sadogh, (1984). Oyon Alakhbare Alreza, Sadogh Press, Tehran.
- Koleyni, Mohammad Yaghob. (1993). Osol Al Kafi, Elmie Eslamie Press. Tehran.
- Ragheb Esfshsni, Hossein Ben Mohammad. (1992). Almofradat Ragheb. DarolGhalam Press, Damescus.
- L. Amendola, S. Tsujikawa, Dark Energy: Theory and Observation, Combridge University Press. 2010.
- Yun Wang' Dark Energy' WILEY-VCH2010
- E.J.Copeland' M.Sami' and S.Tsujikawa' Dynamics if dark energy' Int.J. Mod. Phys.D15'1753'(2006)

